

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۲ فبروری ۲۰۲۱

گرامی باد بیست و ششم بهمن [دلو] روز کومه‌له!

رفقای عزیزم در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له روز کومه‌له این روز عزیز را، به همه شما شادباش می‌گویم. امیدوارم روز کومه‌له امسال بار دیگر برای شما و همه ما انقلابیون و کمونیست‌ها یادآور اتحاد و همبستگی و پیکار مشترک سال‌های نخست انقلاب و نهایت تشکیل حزب کمونیست ایران باشد، روز یادآور سخنرانی‌های پرشور و انقلابی کاک فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر، جعفر شفیعی، غلام کشاورز و ... باشد. روزی که اختلافات و تفاوت‌های همدیگر را به رسمیت بشناسید و دوباره پیمان رفاقت و مبارزه متحدانه و مشترک ببندید و چه کنگره‌تان را بزودی برگزار کنید و چه عقب بیندازید از حذف همدیگر جلوگیری کنید، انشعاب‌طلبان و انحلال‌طلبان را به حاشیه برانید و در فضای دموکراتیک و رفیقانه و با صبر و شکیبایی و تحمل به اختلافات درونی خود بپردازید و به جای انشعاب به راه‌های حل دیگری، از جمله تشکیل یک کمیسیون حل اختلاف بیندیشید که اختلافات را مورد بحث و بررسی قرار دهد، آن‌ها را شفاف‌تر کند و به رسمیت بشناسد و سرانجام به تدوین یک پلتفرم مشترک و ادامه پیکار مشترک دست یابد! هرچند که جدائی یک رامحل است اما آن را نباید تبلیغ و ترویج کرد چرا که اغلب نتیجه‌اش پراکندگی و تفرقه و ضعیف‌تر شدن است.

گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه‌له



روز کومه‌له روز گرامیداشت یاد هزاران انسان مبارز انقلابی و کمونیست
است که در راه آزادی و آرمان‌های کمونیستی با سربلندی جان باختند
یاد همه جانب‌باختگان راه سوسیالیسم گرامی باد

واقعیت تاریخی این است که هر حزبی، به دلیل برنامه و مشی سیاسی که متکی بر تلاش برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه و آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه طبقاتی و رفع ستم ملی و جنسیتی و تبعیض و استثمار است به شدت از تفرقه و جدائی و پراکندگی و خورده‌کاری دوری می‌جوید.

امروزه احزاب جدی سیاسی - اجتماعی یکی از ضروریات زندگی جوامع بشری در دوره مدرن محسوب می‌شود به‌طوری‌که یکی از موثرین نهادهای تاثیرگذار بر روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی جامعه و به عنوان حلقه رابط بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می‌کند.

علت این‌که جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های شهروندان و سازمان‌ها و اقشار متفاوت است و درکشان از نیازهای طبقاتی‌شان افزایش پیدا کرده است. برای این‌که بتوانند این نیاز طبقاتی‌شان را به سیستم سیاسی و کل مدیریت جامعه افزایش بدهند به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می‌گذارند تبدیل می‌شوند. مفاهیم توسعه سیاسی، مشارکت مردم، حقانیت سیاسی، قانونمندی، تحمل و مدارا، نظم و ثبات سیاسی مفاهیمی هستند که نقطه تلاقی آن‌ها ظهور احزاب و سازمان‌های سیاسی است. به علاوه هیچ دیوار چینی وجود ندارد که حزب و اعضای آن را از جامعه و شهروندان جدا کند و به همین دلیل می‌تواند در درون احزاب گرایش‌های متفاوتی شکل گیرد که از جنبه تاکتیکی متفاوت اما هم‌زمان از زاویه استراتژی مشترک هستند.

پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران و در جمهوری اسلامی ایران شاهد پیدایش احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف با آرمان‌ها و عقاید گوناگون بعد از پیروزی انقلاب بودیم. با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب نه تنها فعالیت احزاب و سازمان‌ها در ایران شدیداً سرکوب و ممنوع شده‌اند حتی هنوز احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه در جامعه ایران نهادینه نشده‌اند. فراتر از همه سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی به دلیل ممنوعیت‌ها و اختناق و سانسور شدید حاکمیت بر جامعه و دور بودن از زمین اصلی مبارزه خود، دچار انشعابات پی‌درپی شده‌اند و اسیب‌های زیادی دیده‌اند. در نتیجه حتی در دوران حکومت اسلامی ایران، جناح‌ها نقش احزاب را بازی می‌کنند.

کومله - یک سازمان سیاسی در کردستان ایران است که طبق برنامه خود با مشی سیاسی کمونیستی فعالیت می‌کند. این سازمان در گذشته «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران» نام داشت، اما با تاسیس حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ یکی از اصلی‌ترین موسس این حزب بود و با پذیرفتن نقش سازمان منطقه‌ای این حزب در کردستان ایران، نام خود را به «کومله سازمان کردستان حزب کمونیست» ایران تغییر داد. از آن زمان تا کنون کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با همه فراز و نشیب‌ها و ضعف و قدرت‌هایش شجاعانه در مقابل تهاجم وحشیانه جمهوری اسلامی به کردستان با جان و دل مبارزه کرده و صدها عضو و کادر خود را در این مبارزه از دست داده است.

در پائیز سال ۱۳۴۲ جمعی از دانشجویان کرد که تازه با مسائل سیاسی و ادبیات چپ و کمونیستی آشنا شده بودند، در تهران دور هم جمع شدند و تشکیلاتی را بنیان نهادند که بعدها کومله نام گرفت.

کومله جزو اولین جریان‌های چپ و کمونیستی بود که از همان ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی، علیه این حکومت وحشی و آدم‌کش و هم‌چنین کردهای حامی آن، دست به اسلحه برد.

این سازمان تا ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ و به مدت ۹ سال به صورت مخفیانه فعالیت کرد و در این مدت در بسیاری از دهات‌ها و شهرهای کردستان و در اکثر مراکز صنعتی و دانشگاهی در سراسر ایران، توانسته بود نفوذ کند و به صورت یک تشکیلات نسبتاً منسجم و در عین حال گسترده درآید.

در روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ محمد حسین کریمی که یکی از بنیان‌گذاران کومله بود در جریان تصرف شهربانی شهر سقز، زخمی شد و دو روز بعد جان باخت. به همین دلیل تشکیلاتی که تا آن زمان به صورت مخفی و با نام تشکیلات

فعالیت می‌کرد، تصمیم گرفت برای زنده نگه‌داشتن نام وی، این روز را به عنوان روز فعالیت علنی تشکیلات کومله نام‌گذاری کند.

کومله فعالیت خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرده است علنا خود را چپ و کمونیست تعریف می‌کرد. کادرهای «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران»، که به کومله معروف شد، تا پیش از انقلاب و حتی در ماه‌های اول انقلاب تحت عنوان جمعیت‌ها و تشکل‌های مردم‌نهادی فعالیت می‌کردند. آن‌ها از اعضای تعیین‌کننده نهادهائی مانند اتحادیه خواستاران حقوق خلق کرد در ایران در مریوان، جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد در سقز، جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد در بوکان، ستاد مشترک نیروهای دمکراتیک مهاباد. در مهاباد دو جمعیت فعال بودند: یکی ستاد مشترک نیروهای دمکراتیک و دیگری جمعیت راه رهایی زحمتکشان. جمعیت مبارزین راه آزادی و مدافع حقوق ملی و دمکراتیک خلق کرد در بانه، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب، در سنندج عوامل و بسترهای تشکیل این جمعیت‌ها در هر شهری متفاوت بود. جوانان جمعیت آزادی و انقلاب، زنان شورای زنان، معلمان شورای معلمان را تشکیل دادند. در مدت زمان کمی یعنی از اولین روزهای بعد قیام شروع شد.



کاک صدیق کمانگر، از رهبران کومله که از وی به عنوان ایده‌پرداز اصلی جمعیت‌های کردستان یاد می‌شود در یکی از آخرین سخنرانی‌های قبل از ترورش در سال ۱۳۶۲، اندک زمانی پس از تشکیل کنگره حزب کمونیست ایران، گفته است: «در سنندج حاکمیت چندگانه وجود داشت. جمعیت در کارهای اجرائی دخالت می‌کرد. بسیاری از کارهای مربوط به دادگستری را ما انجام می‌دادیم. به طور دفاکتو طوری شده بود که دادگستری نامه‌ها و ابلاغیه‌های ما را به رسمیت می‌شناخت. پولیس راه هم اگر چه ظاهراً سر جای خود بود، اما عملاً کارها را ما انجام می‌دادیم. نفوذ زیادی بین مردم داشتیم. مسئله مصادره زمین توسط مردم که در جریان قیام شروع شده بود، بعد از روزهای قیام ادامه پیدا کرد و مورد پشتیبانی جمعیت قرار گرفت. در تمام ادارات، از بیمارستان گرفته تا اداره دارائی و به‌ویژه اداره کار ما می‌توانستیم در کارها دخالت بکنیم. استانداری به نحوی دوباره دایر شد، ولی قدرتش در دست ما نبود.» (صدیق کمانگر، ۱۳۶۲)

این جمعیت‌ها که به مرور به جریان‌های اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کردستان تبدیل شدند به فاصله‌های زمانی کوتاه، بعد از انقلاب یکی بعد از دیگری اعلام موجودیت کردند. با وجود ارتباط نزدیکی که بین آن‌ها وجود دارد، اما شرایط عضویت، شیوه کار و ساختار سازماندهی آن‌ها در هر شهر متفاوت است. میزان مشارکت زنان و مردان در جمعیت‌ها و کارهای اجرائی و آموزشی شهرها هم یکسان نبوده است. انقلاب فضای مناسب‌تری برای فعالیت زنان فراهم کرد. زنان در سنندج، مریوان، سقز وارد انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، جمعیت‌ها، کانون‌ها و شوراهای شهرها شدند.

کوری نافرمانی تیکوشهری سه‌قز (جامعه زنان مبارز سقز) از جمله این تشکلهاست و طبق اساسنامه این جامعه: «بررسی مشکلات زنان روستا و زنان کارگر و خانداندار، آموزش تئوریک اعضا در زمینه فلسفه تاریخ و اقتصاد، سوادآموزی زنان بی‌سواد، ارتباط با سایر جمعیت‌های زنان مبارز و مترقی و کوشش در جهت ایجاد تشکیلات سراسری زنان، مبارزات صنفی در جهت تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و پس از زایمان، ایجاد مهد کودک و نگهداری کودکان زنان شاغل و به خصوص زنان کارگر و زحمتکش. تشکیل شوراهای محلی زنان، کوشش در راه ایجاد کلاس‌های آموزش نظامی.» (خیزش زنان، ص ۴۷۳)

اساسنامه این جامعه در روزنامه آیندگان به شرح زیر انتشار یافته بود:

«قیام مسلحانه ۲۰ تا ۲۱ بهمن‌ماه اگر چه توانست پیروزی‌هایی نصیب خلق قهرمان ایران نماید ولی به علت عدم سازماندهی مبارزات حق‌طلبانه نتوانست به پیروزی نهائی دست یابد و کلیه ریشه‌های ارتجاع را بر کند و دست امپریالیسم را به کلی از مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایران قطع گرداند. لذا برای خنثی‌نمودن کلیه توطئه‌های ارتجاع و ادامه مبارزات و به ثمر رساندن آن تا آزادی کلیه نیروهای زحمتکش و لغو استثمار فرد از فرد، زنان مبارز سقز تشکل خود را در جمعیتی به نام زنان مبارز سقز اعلام می‌دارد، اهداف جامعه عبارتند از:

۱. تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل جمعیت‌های سیاسی، مذهبی، صنفی برای همه طبقات و اقشار مردم. آزادی کامل مطبوعات، بیان، تبلیغات، آزادی اعتصابات و تظاهرات، آزادی آموزش نظامی.
۲. تشکیل شوراهای کارگری که ناظر بر امر تولید و توزیع کالاهای کارخانه باشند.
۳. تشکیل شوراهای دهقانی و نظارت آن بر امر اصلاحات ارضی و تقسیم زمین به نسبت اعضای خانواده دهقانان.
۴. خودمختاری و حق تعیین سرنوشت برای تمام خلق‌های ایران در چارچوب ایران آزاد و دموکراتیک
۵. برابری زنان و ...» (آیندگان، شنبه ۵ خرداد ۱۳۵۸، ص ۵)

فعالیت زنان هوادار کومله و برخی دیگر از جریان‌های چپ در سال‌های آغاز انقلاب در نهادهای دموکراتیک نقش پررنگی داشت. اما اعضا و فعالین کومله هسته اصلی بسیاری از این نهادها بودند و عملاً در پیش‌برد اهداف انقلاب ۵۷ نقش خود را ایفا کردند و مردم را در «مناطق آزاد شده» به ایجاد «شوراهای دموکراتیک» فرامی‌خواند. طبق تعریف این شوراهای باید همه امور زندگی مردم، از قبیل قضاوت و رسیدگی به اختلافات، اقدامات اقتصادی و عمران و آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مسأله ارضی و ... را برعهده داشتند.

در مقدمه یکی از کتاب‌های درسی که کومله در آغاز انقلاب برای مقطع ابتدائی مدارس کردستان به زبان‌های کردی و فارسی تدوین کرد از «آموزش و اشاعه علوم و فرهنگ علمی و انقلابی و مبارزه با فرهنگ ارتجاعی و خرافی: آموزش توده‌های کارگر و زحمتکش و فرزندان آن‌ها با اصول دموکراسی پیگیر» به عنوان یکی از اهداف کمیسیون آموزش کومله یاد شده است. (کمیسیون آموزش کومله، ۱۳۶۲).

با سرکوب انقلاب ۵۷، جریان‌های چپ سراسری راهی کردستان شدند. برخی از آن‌ها مانند حزب توده و چریک‌های فدائی خلق شاخه کردستان داشتند و رسماً به فعالیت سیاسی می‌پرداختند. (البته حزب توده ایران و سازمان چریک‌های خلق ایران-اکثریت تا سال ۱۳۶۲ با جمهوری اسلامی همکاری داشتند)

نیروهای دیگری مانند اتحاد مبارزان کمونیست، سازمان پیکار، اتحادیه کمونیست‌ها، حزب کارگران سوسیالیست، سازمان رزمندگان نیز در کردستان بعد از انقلاب حضور داشتند. بیش‌تر این نیروها به جز آن‌ها که در حزب کمونیست ایران ادغام شدند، بعد از اعلام جنگ کردستان و تصرف دوباره شهرها، از کردستان ایران به ناچار راهی خارج کشور شدند.

طرح کومهله در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی سازمان‌دهی مقاومت مردمی و مبارزه مسلحانه بود. در واقع طرح کومهله بر خلاف حزب دمکرات مشارکت در قدرت، مذاکرات یک طرفه و تدوین قانون اساسی نبود چرا که رهبری حزب دمکرات کردستان راه سازش با حکومت مرکزی را در پیش گرفته بود.

حرکت اعتراضی مردم مریوان، یک واقعه تاریخی بود. از کاک فواد مصطفی سلطانی به عنوان معمار کوچ مریوان یاد می‌شود. وی در یکی از سخنرانی‌هایش با تأکید بر دستاوردهای کوچ اعتراضی، از جمله به «اتحادی» اشاره کرده که به گفته وی تا آن زمان در جامعه کردستان بدون سابقه بوده است. کاک فواد می‌گوید: «شما توانستید با این اقدام خود حمایت خلق‌های ایران را به سمت خود جلب کنید. این حمایت‌ها از این به بعد ادامه خواهد داشت. حتما در رسانه‌ها خوانده‌اید که مردم سیستان و بلوچستان، از آن سوی ایران، در راه حمایت از ما فداکاری کرده‌اند که نباید هرگز فراموش کنیم.» وی سپس در خطابه مستقیم خود با مردم از ناچار شدن دولت به «به رسمیت شناختن شورای شهر مریوان» به عنوان یکی دیگر از دستاوردهای کوچ یاد می‌کند. «سرکوب نیروهای مزدور محلی» و «جلوگیری از تکرار وقایع گنبد کاووس، خرمشهر، نقده و ...» از جمله دیگر مواردی هستند که کاک فواد با مردم مریوان به عنوان اصلی‌ترین دستاوردهای این اعتراضی در میان گذاشت بود.

اعتصاب غذای ۲۴ روزه زندان شهربانی سنندج به ابتکار فواد مصطفی سلطانی و برخی دیگر از زندانیان و حمایت مردمی از آن در تیرماه ۵۷ یک نمونه دیگر از سازماندهی‌هاست. جمع‌آوری، تهیه مواد و نیروی پزشکی و اعزام آن‌ها به مقاومت ترکمن صحرا، جمع‌آوری کمک از سوی اتحادیه دهقانان مریوان و اعزام نیرو به «دهقانان رانده‌شده منطقه سوما و بردوست»، تحصن و اعتصاب گسترده مردم سنندج برای خروج پاسداران از شهر در بهمن ۵۸، حمایت ۷۰۰ کارگر سد قشلاق سنندج و حمایت کارمندان، نهادهای دمکراتیک و سر آخر کسبه و بازاریان و اعلام اعتصاب عمومی و اشاعه آن به دیگر شهرهای کردستان نمونه دیگری از سازماندهی‌های دمکراتیک مردمی بعد از انقلاب است که کومهله، و نیروهای چپ در سازمان‌دهی و هدایت آن نقش تعیین‌کننده داشتند.

کومهله با فراهم کردن زمینه ورود مستقیم زنان به عرصه مبارزات سیاسی و مسلحانه جنبه‌های مختلف مبارزاتی جامعه کردستان ایران را دگرگون کرد. کاک صدیق کمانگر بعدها در توضیح مقاومت نوروز خونین سنندج گفته است: «پادگان در مقابل مردم تیراندازی کرده است و ما به عنوان شورای موقت انقلاب از مردم حمایت کردیم و بس. گفتیم که قیام کردیم که آزادی و دموکراسی داشته باشیم، الان مورد یورش قرار گرفته‌ایم، ما داریم از قیام و آثار قیام دفاع می‌کنیم.» (صدیق کمانگر، ۱۳۶۲)

از جمله فعالیت‌های برجسته کومهله در عرصه مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سازماندهی و رهبری جنگ خونین نوروز ۱۳۵ سنندج که به رهبری کادرهای شناخته شده کومهله نظیر صدیق کمانگر و ایوب نبوی و فرماندهی فرمانده مشهور کومهله، محمد مائی (کاک شوان) انجام شد و طی آن مردم بی‌گناه زیادی جان خود را از دست دادند.

کوچ تاریخی مردم مریوان به رهبری فواد مصطفی سلطانی، با هدف تحت فشار قرار دادن نیروهای مسلح و دولت موقت.

به راه انداختن مقاومت خیابانی شهر پاوه علیه نیروهای جمهوری اسلامی.

حمله به بزرگترین لشکر زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده با نه - سردشت به فرماندهی شهبید صیاد شیرازی.

مسلح کردن زنان و شرکت دادن آن‌ها در جنگ‌های پارتیزانی و کارهای سیاسی در سال ۱۳۶۱ که بدین ترتیب کومه‌له به اولین جریان سیاسی و نظامی تبدیل شد که تا آن زمان در سطح خاورمیانه به صورت رسمی زنان را وارد عرصه فعالیت نظامی کرد.

کومه‌له در عرصه فعالیت مدنی و جمعی و شوراهای مردمی هم نقش برجسته‌ای داشت. اولین شوراهای شهر و شورای محلات (بنکه‌ها) در شهر سنندج با سازماندهی کومه‌له تشکیل شد.

تشکیل اتحادیه دهقانان که کاک فواد مصطفی سلطانی خود ایده پرداز و مسؤول سازماندهی آن در روستاهای مریوان بود و بعدها کادرهای کومه‌له در مناطق روستائی شهرستان‌های سقز، کارمیاران و بانه در استان کردستان، بوکان، سردشت و اشنویه در استان سردشت و اشنویه در استان آذربایجان غربی (هم این اتحادیه‌ها را برپا کردند و یکی از وظایف این اتحادیه‌ها برچیدن آخرین بازماندگان اربابان و زمین‌داران وابسته به حکومت پهلوی و همچنین تقسیم این اراضی افراد بین مردم آبادی‌ها بود.

تشکیل اتحادیه و شوراهائی مانند:

اتحادیه بیکاران

شورای معلمان

شورای زنان

شورای دانش آموزان

اتحادیه هنرمندان

و موارد دیگر که تنها بخشی از فعالیت‌های پرافتخار کومه‌له در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی بود.

کومه‌له به همراه سازمان اتحاد مبارزان کمونیست (سهند)، آن بخش نجات یافته از ضربات پاسداران اسلامی (سازمان بیکار)، جمعی از کادرهای چریک‌های فدائی خلق و چندین گروه بزرگ و کوچک چپ و کمونیستی دیگر، بعد از هشت ماه مذاکره، سرانجام در روز ۱۱ شهریور ۱۳۶۲ حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند. و کومه‌له به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این حزب و به نام جدید سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) و با حفظ رهبری و چارت تشکیلاتی خود تا آن زمان به فعالیت خود در این حزب ادامه داد و تا امروز هم همچنان به این مسؤولیت خود پایبند بوده و آن را ادامه داده است.

حزب کمونیست ایران، قبل از انشعاب اول در سال ۱۹۹۱ بزرگترین و گسترده‌ترین حزبی به شمار می‌رفت که توانسته بود در زمان خود، بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کارگری فعال باشد.

سوسیالیسم به مثابه آلترناتیو سرمایه‌داری در جهان ذهنی اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران و تحولات تاریخی جهان نقشی بسیار اساسی داشت و این سیاست در جلب کارگران و فعالین سیاسی از جمله عوامل موجب رشد حزب و نفوذ آن در سپهر سیاسی جامعه ایرانی شد.

اما با پایان جنگ ایران و عراق و عقب‌نشینی از شهرهای ایران و پایان مبارزه مسلحانه در کردستان و سرکوب شدید و وحشیانه جمهوری اسلامی ایران سبب شد که حزب و کومه‌له ناچار به اردوگاه‌نشینی در مرزهای ایران شود و این عوامل سبب شدند اختلافات درونی حزب بالا بگیرد و به انشعاب فراکسیون کمونیست کارگری از حزب کمونیست ایران و کومه‌له گردد. از تاریخ تاکنون این جریان سوسیالیستی بارها دچار انشعاب شده است.

یک مسأله مهم و فراموش نشدنی دیگر در تاریخ حزب کمونیست ایران و کومه‌له روزهای چهارم، نهم و سیزدهم شهریور است. یادآور سه واقعه مهم در حیات سیاسی کومه‌له و حزب کمونیست ایران است که در این روزها سه تن از رهبران برجسته خود را از دست دادند.

نهم شهریور ماه سال ۱۳۵۸ رفیق فواد مصطفی سلطانی یکی از رهبران و بنیان‌گذاران کومه‌له، چهره شناخته شده و محبوب جنبش کمونیستی ایران و کارگران کردستان، به دنبال یک درگیری نابرابر با شمار زیادی از نیروهای جمهوری اسلامی در روستای «بسطام» در مسیر جاده سقر- مریوان، جان باخت.

شبانگاه چهارم شهریور ماه سال ۱۳۶۸ رفیق «بهمن جوادی» (غلام کشاورز)، از چهره‌های برجسته و سرشناس جنبش کمونیستی ایران، که برای دیدار مادر و سایر بستگانش به «قبرس» رفته بود در شهر «لارناکا» مورد سوءقصد تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان جان باخت. رفیق غلام کشاورز از انقلابیون با سابقه، از چهره‌های شناخته شده مقاومت در زندان‌های رژیم شاه، از اولین کادرهای سازمان اتحاد مبارزان کمونیست، و سپس یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایران و از کادرهای برجسته حزب بود که طی دوره فعالیت خود در حزب کمونیست مسئولیت‌های متعددی از جمله عضویت در کمیته مرکزی را بر عهده داشت.

ساعت ۲ بامداد روز سیزدهم شهریورماه سال ۱۳۶۸ رفیق صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی کومه‌له، در اقدامی جنایت‌کارانه توسط یک خائن و مزدور جمهوری اسلامی مورد سوءقصد قرار گرفت و جان باخت.

در پایان لازم است که بار دیگر تیریکات صمیمانه خودم را به مناسبت چهل و دومین سالگرد اعلام موجودیت علنی کومه‌له به رفقایم در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له و همچنین دوستداران این جریان و مردم انقلابی کردستان اعلام کرده و یاد رفیق محمدحسین کریمی و همچنین یاد رفقا فواد و صدیق و غلام و جعفر شفیعی، فرشته رضائی (زهره)، ثانیه بهرامی، عطیه شریفی (گزان)، صبری دوستکامی (آرزو)، رضوان احمدزاده، عزیزه اعظمی زیور رشیدی (زیبا) و همچنین رفقای جان‌باخته گردان ۲۸ ارومیه و گردان شوان و همه جان‌باختگان صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران و تمامی جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی بدارم!

پنجشنبه بیست و سوم بهمن [دلو] ۱۳۹۹ - یازدهم فبروری ۲۰۲۱

یادشان گرامی باد!